



فلسفه و مبنای مجازات در اسلام/ قصاص برای اصلاح فرد است یا جامعه

فلسفه و مبنای مجازات در اسلام/ قصاص برای اصلاح فرد است یا جامعه با توجه به اهمیت نفوس و جان مردم از دیدگاه اسلام و برابر بودن کشتن یک انسان با کشتن همه انسان‌ها، اسلام مجازات قصاص را برای جلوگیری از وقوع قتل و سایر جرایم علیه اشخاص پیش‌بینی کرده است.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه پاسخ می‌دهد
فلسفه و مبنای مجازات در اسلام/ قصاص برای اصلاح فرد است یا جامعه
با توجه به اهمیت نفوس و جان مردم از دیدگاه اسلام و برابر بودن کشتن یک انسان با کشتن همه انسان‌ها، اسلام مجازات قصاص را برای جلوگیری از وقوع قتل و سایر جرایم علیه اشخاص پیش‌بینی کرده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، جایگاه قصاص در میان احکام شریعت اسلامی بر هیچ‌کس پوشیده نیست، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم درباره چرایی فلسفه و مبنای مجازات در اسلام، این‌گونه پاسخ می‌دهد که در ادامه می‌آید:

لازم است به عنوان مقدمه به مهم‌ترین نظریه و تئوری‌هایی که در زمینه فلسفه مجازات از طرف فلاسفه و حقوقدانان مطرح شده است بپردازیم و سپس نظریه اسلام را در این زمینه بیان کنیم، لازم به ذکر است که پرداختن به این نظریه به اختصار حد لازم است.

دیدگاه اول: سزادهی

این دیدگاه معتقد است: #171؛ مشروعیت مجازات ناشی از جرم ارتكابی است، پس باید دقیقاً متناسب با آن باشد، مجازات کردن مجرم اقامه عدالت کیفری در جامعه است و این بهترین دلیل و توجیه برای اعمال مجازات #171؛ عدالت کیفری نظم مختل شده را احیا می‌کند و با مجازات شبیه به بزه تعادل را در جامعه برقرار می‌سازد و به همین جهت باید طبق مفاهیم قصاص دقیقاً همانند جرم ارتكابی باشد و بین شدت کیفر و شدت بزه شباهت وجود داشته باشد».

بر این اساس مجرم مورد تحقیر و توهین قرار نمی‌گیرد و فقط به اندازه جرمی که مرتکب شد، متحمل کیفر می‌شود و معیار و ضابطه تعیین نوع و میزان مجازات، عدالت است، یعنی مجازات پاداشی است که مجرم به دلیل ارتكاب جرم، استحقاق آن را پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد نقدهایی بر این دیدگاه وارد است که به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

1. این دیدگاه فقط به جرم ارتكابی توجه دارد و به دنبال جبران بی‌عدالتی حاصل از آن است، در حالی که در فرآیند کیفر عواملی از قبیل خصوصیات مجرم، توجه به اصلاح و بازسازی وی و نیز توجه به تأثیر مجازات در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی، باید لحاظ شود.

2. معیار قرار دادن جرم ارتكابی برای تعیین نوع و مقدار مجازات، در همه موارد امکان پذیر نیست و نمی‌توان مجازات را دقیقاً مانند جرم تعیین و اجرا کرد، پس شناخت مقتضای عدالت در چنین مواردی به سادگی امکان پذیر نیست و باید به ناچار عوامل دیگری غیر از ماهیت جرم ارتكابی را برای تعیین نوع و میزان مجازات مورد توجه قرار داد.

3. عدالت، در نظر این دیدگاه فرشته‌ای است که چشم ندارد و شمشیر برنده‌ای در دست دارد که به مجرد وقوع جرم باید فرود آید و اختلال به وجود آمده در نظم اخلاقی جامعه را بازسازی کند و عدالت را دوباره برقرار کند، بدون اینکه کوچکترین انعطافی داشته باشد، پس عفو و عدم اجرای مجازات به هر دلیل که باشد ظلم و بی‌عدالتی محسوب می‌شود، در حالی که در فرآیند مجازات در کنار عدالت احسان نیز باید مورد توجه باشد.

دیدگاه دوم: اصالت فایده

کاملترین و دقیق‌ترین شکل سازمان یافته این تئوری همان است که از طرف #171؛ جرمی بنتام» به نام تئوری مجازات است، بر اساس این تئوری مشروعیت اخلاقی مجازات مبتنی بر نتایج آن است و قانونگذار باید با توجه به منافع عمومی و محاسبه مصالح و مفاسد به وضع قانون بپردازد و معیار صحت یا عدم صحت قانون نیز چیزی به غیر از نتایجی که بر آن مترتب می‌شود، نیست که عمده‌ترین این فواید و نتایج عبارتند از:

1. بازدارندگی، یعنی هدف بازداشتن و جلوگیری از وقوع مجدد جرم در جامعه است و جلوگیری از جرایم بعدی هدف اصلی مجازات و توجیه عمده آن است.

2. جبران (تلافی) یعنی جبران خسارت ناشی از جرم چه خسارت‌های مادی باشد چه معنوی که از وارد نمودن رنج و الم بر مجرم حاصل می‌شود و جبران خسارت‌های روحی و معنوی که بر آن فرد وارد شده است.

بر این دیدگاه نیز اشکالاتی وارد است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1. نادیده گرفتن استحقاق مجرم و تکیه بر آثار و نتایج مطلوب در اعمال مجازات. عدالت کیفری را به شدت نسبی و سیال می‌کند و به نوبه خود می‌تواند خطرناک باشد و مجرم را در معرض سخت‌ترین مجازات‌ها قرار دهد.

2. همه جرایم با انگیزه‌های منفعت‌طلبانه انجام نمی‌شود تا مجرم با یک محاسبه دقیق میزان نفع مورد انتظار خود را با شدت مجازات احتمالی بسنجد و پس از آن صرفاً برای به دست آوردن منافع بیشتر مرتکب جرم شود.

3- به تجربه ثابت شده است که نسبت بین شدت مجازات و آمار جرایم لزوماً یک نسبت معکوس نیست و شاید تشدید مجازات موجب رسوخ روح خشونت و بی‌اعتنائی به قانون شود، پس هدف بازدارندگی این دیدگاه مورد تردید است.

با این توضیحات به نظر می‌رسد زمینه طرح دیدگاه اسلام درباره فلسفه مجازات فراهم شده است.

دیدگاه اسلام در مورد فلسفه مجازات

با توجه به خطوط کلی معارف اسلامی به نظر می‌رسد که دیدگاه اسلام در مورد توجیه عقلانی و اخلاقی مجازات، یک دیدگاه دوگانه و ترکیبی است و این دیدگاه به کل نظام کیفری اسلام حاکم است و همه مجازات‌ها ام از حدود، قصاص و تعزیر است، براساس این تئوری قابل توجیه است، گرچه ممکن است شناخت و اثبات این تئوری در مورد همه مجازات‌ها به صورت یکسان امکان‌پذیر نباشد، ولی در مقام ثبوت به نظر می‌رسد، همه مجازات‌ها براساس این تئوری تشریح شده‌اند.

براساس این تئوری توجه به عدالت و استحقاق از یک طرف و رسیدن به آثار و نتایج مطلوب فردی و اجتماعی، از طرف دیگر، سطح بسیار عمیق و واقع‌بینانه مورد توجه قرار گرفته است و این دو به گونه‌ای عمیق به هم پیوند خورده‌اند و شاهکاری از قانونگذاری کیفری تحقق پیدا کرده است.

اول: نظام حقوقی اسلام بر اساس عدالت تشریح شده است، اگر چه در عالم اثبات نتوانیم عادلانه بودن آن را ثابت کنیم، ولی در مقام نبوت این مسئله غیر قابل تردید است، زیرا از اراده تشریحی خداوند حکیم نشأت گرفته که به دور از افراط و تفریط است.

از این رو مجرم را مستحق عقوبت و مجازات دانسته، چون مجرم حریم و حرمت احکام الهی را شکسته و با این حرمت شکنی به منافع غیر قانونی و نامشروع دست یافته و در این راستا با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات فرد و بستگان او و سایر افراد مستحق مجازات شد و باید مجازات شود تا همه بی‌عدالتی‌های قبل از وقوع جرم از بین رود و وضعیت عادلانه قبل از وقوع جرم برقرار شود.

دوم: در نظام کیفری اسلام در کنار عدالت و عفو؛ دو عنصر دیگری به نام عفو؛ و توبه؛ وجود دارد که آن را انعطاف‌پذیر کرده است تا ارتکاب جرم لزوماً به مجازات مجرم منتهی نشود و این نقطه افتراق دیدگاه اسلامی با دیدگاه سزادهی است که اعمال مجازات را در هر شرایطی اجتناب‌ناپذیر می‌داند و عدم اجرای مجازات را به هر دلیل بر خلاف فقهای حق و عدل می‌داند.

از این رو در کلیه جرایمی که حق‌الناس محسوب می‌شوند، اجرای مجازات منوط به درخواست شخصی مضروب یا اولیاء او است و با عفو آنها مجازات ساقط می‌شود، خصوصاً در مورد قصاص که از اولیاء دم خواسته شده تا عفو کنند.

چنان که در جرایمی که جنبه حق‌الله دارند، در صورتی که مجرم قبل از شهادت شهود و با قبل از اقرار توبه کند، مجازات او ساقط می‌شود و یا در مجازات‌های تعزیری قاضی با احرار شرایطی می‌تواند مجرم را عفو و یا تعلیق و در مجازاتش تخفیف دهد.

سوم: غایت‌گرایی در اعمال مجازات یکی دیگر از ویژگی‌های نظام کیفری اسلام است، اسلام با وضع مقررات کیفری و جرم تلقی کردن اعمالی که مهم‌ترین منافع و مصالح فردی و اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد و تأکید و تسریع بر اعمال مجازات در همین دنیا اهمیت آثار و نتایج مجازات در حیات اجتماعی و مادی انسان‌ها را نشان داده است، پس مقررات کیفری خود را به گونه‌ای تشریح کرد، تا حالت بازدارندگی آن بیشتر باشد و به گونه‌ای باشد که قبل از اینکه اجرا شود، تأثیر خود را در باز داشتن افراد از ارتکاب جرم داشته باشد و بر انگیزه‌های مجرمانه افراد غلبه کند و آنها را از ارتکاب جرم باز دارد.

در کنار این اهداف، سیستم نظام کیفری اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که برای مجرم نیز سودمند است و آن همان تهذیب و تطهیر مجرم از آثار و تبعات ارتکاب جرم است که آنها در اثر ارتکاب جرم در روح و جان او ایجاد شده است، در واقع نظام کیفری اسلام اهداف دنیوی و اخروی را در کنار هم دیده است.

در اینجا به اختصار به فلسفه مجازات بعضی از جرایم اشاره می‌شود:

1. با توجه به اهمیت نفوس و جان مردم از دیدگاه اسلام و برابر بودن کشتن یک انسان با کشتن همه انسان‌ها، اسلام مجازات قصاص را برای جلوگیری از وقوع قتل و سایر جرایم علیه اشخاص پیش‌بینی کرده است و این مجازات در عین حال که عدالت کیفری را به صورت عینی و ملموس محقق می‌کند، بالاترین تأثیر را در پیشگیری از وقوع این جرایم دارد و قرآن کریم با صراحت تمام، فلسفه وضع این مجازات را حفظ حیات انسان‌ها می‌داند: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره/179).

2. از آنجا که مال و دارایی افراد یکی از مهم‌ترین ارکان حیات فردی و اجتماعی آنها محسوب می‌شود و قوام زندگی انسان‌ها به آن است و از آنجا که سرقت مهم‌ترین تهدید علیه اموال و دارایی‌های مردم محسوب می‌شود، اسلام مجازات باز دارنده‌ای را برای آن مقرر داشته تا از این طریق اموال مردم محفوظ بماند: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكْلَافًا مِنَ اللَّهِ» (مائده/38)

3. وجود غرایز جنسی در انسان برای تحقق اهداف خاصی است که باید از مجاری خاص محقق و اعمال شود، و الا بزرگترین مفسد فردی و اجتماعی را سبب خواهد شد.

تشکیل خانواده، تولد نسل، تربیت فرزندان و معلوم بودن نسبت انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف وجود غریزه جنسی است که از مجرای رابطه مشروع زناشویی محقق می‌شود، با آزاد بودن روابط جنسی، نه خانواده مستحکم به وجود می‌آید و نه اصل و نسب انسان‌ها در جامعه معلوم می‌شود، پس اسلام با محکوم کردن هر گونه رابطه جنسی خارج از رابطه زناشویی مجازات‌های شدیدی را برای عدم رعایت احکام مقرر داشته تا از این طریق، هم از مفسد وجود روابط نامشروع جلوگیری کند و هم تحقق اهداف خاص وجود غریزه جنسی را امکان پذیر کند.

بنابراین، نظام کیفری اسلام در عین حال که مجرم را مستحق مجازات می‌داند و تحقق عدالت کیفری را در حد امکان مورد توجه قرار می‌دهد، مجازات‌های خود را در راستای تحقق اهداف ارزشمند فردی و اجتماعی قرار می‌دهد و از تشریح و اعمال هر مجازات اهداف خاصی را پی‌گیری می‌کند، به همین دلیل در روایات اسلامی آمده است که اجرای یک حد از حدود الهی در زمین، از بارش چهل شبانه روز باران مفیدتر است.